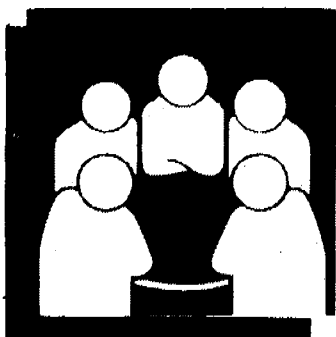


پیرامون امور حقوقی و

مالی شرکتهای تعاونی



پژوهش: حسین سالکی

ما را دربر می‌گیرد، از این‌روی بیهوده نیست که در فرهنگ اروپایی تعاون به معنی یاری دادن و یاری کردن را با (c) کوچک Cooperative و هر گونه نهاد حقوقی تعاونی را با (C) بزرگ Cooperative می‌نویسند و در مورد نخست با آوردن مصدر (همکاری) Cooperation و در مورد دوم با نشانه اسم مصدر و افزودن پسوند جامعه یا شرکتهای تعاونی Cooperative Society یا موسسه و سازمان تعاونی Cooperative Organization یا جامعه تعاونی Cooperative Community

و یا شرکت وانجمن تعاونی Cooperative Association را به‌کار می‌گیرند.

اگر بخواهیم فرامین حکام و فرمانروایان و شاهان و امپراطوران تاریخ گذشته را قانون فرض کنیم که چنین هم بوده است در خور توجه است که به‌روایتی امپراطور حمورابی امپراطور بابل ضمن فرامینی که برای مردم بابل صادر کرده بود به‌تعاون و همکاری در

تعاون و همکاری طبیعی‌ترین پدیده رفتاری شناخته شده است که گروه‌های انسانی از ابتدای پیدایش در روی زمین از خود بروز داده و آن را افزار زندگی فردی و اجتماعی قرار داده، توانسته‌اند نیازهای مادی و معنوی خود را برآورده سازند.

از آنجا که کارهای نیک همیشه و در هر دوره‌ای از زندگی بشری هیچ‌تغفل‌واستخاره‌ای انجام شده و در حجم‌های بزرگو گسترده بی‌آنکه نیازی به قانون و مقررات داشته باشد روی عرف و عادت صورت پذیرفته است لذا قوانین و مقررات تعاونی را باید از ابداعاتی دانست که به‌جامه حقوقی جامعه امروزی پیوند خورده است. محدود ساختن همکاری و تعاون در چارچوب قانونی هرچقدر خلاف طبع به‌نظر آید اما وقتی پای تشکیل شرکت یا موسسات مالی و حقوقی که با تعهدات و مسئولیت‌های مربوط به آن به‌میان کشیده می‌شود تعریف واژه "تعاون" دگرگون شده و از صورت کلی و عام بیرون می‌آید و قلمرو معینی از زندگی اقتصادی و اجتماعی

کار و پیشه نیز گوشه چشمی داشته و لذا حمورابی اگر نه نخستین شاید که یکی از پیشگامانی به شمار می‌آید که مشارکت در کارهای اقتصادی را تشویق کرده است. از مطالعه تاریخ اجتماعی که از سوی محققانی چون ویل دورانت آمریکائی، دکتر گریشمن فرانسوی و مشیرالدوله پیرنیا به رشته تحریر کشیده است پی می‌بریم که بنیادهای حقوقی اقتصاد جمعی پیشینه‌ای طولانی دارد که منشأ آن از تاریخ معاصر فراتر می‌رود با این تفاوت که قوانین (فرامین) دوران باستان نوعاً کلی و بسیار ساده و ابتدائی بوده و از انقلاب صنعتی به این سو پیچیده‌تر شده و تکامل می‌پذیرد.

همکاری و تعاون (جمع‌گرایی) انسان در شکل نخستین آنقدر حالت غریزی دارد که همانند مهر هر مادری نسبت به فرزند خود! و لذا از این مقدمه به این نتیجه می‌رسیم که پیش از تدوین مجموعه‌های حقوقی و قانونی حاکم بر روابط اقتصادی و اجتماعی مردمان عصر جدید همان فعالیت‌ها در صورت‌های ساده‌تر روی عرف و عادت انجام می‌گرفته است.

شناختن اصول تعاون به‌عنوان اساس تمدن بشری خود می‌تواند معرف جامعه‌های متمدن گذشته باشد و لذا جای گرفتن جامعه هخامنشی در تاریخ باستان به‌عنوان یکی از تمدن‌های در یادماندنی قوم بشر به این خاطر است که بنا به گفته‌های تاریخ نگاران پیش گفته همکاری و تعاون در کار و پیشه به ویژه در بخش کشاورزی که عمده‌ترین بخش اقتصادی آن زمان بوده است توسط کوروش سر لوحه کشورداری و تمشیت امور قرار می‌گرفت.

چنانکه از عنوان مطلب برمی‌آید این

تحقیق در چارچوب بررسی مسایل حقوقی و مالی شرکت‌های تعاونی به مفهوم لغوی متداول عصر حاضر صورت می‌پذیرد و جاسا دارد قانون تجارت را که قانون و مقررات شرکت‌های تعاونی نیز از اجزای آن به شمار می‌رود از همان جا و همان سرزمین مطالعه کنیم که تاروپود نظام اقتصادی سرمایه‌داری در آن بهم بافته شده و اصول و مقررات مربوط به آن نیز تدوین گردیده است.

بهر حال هر چند که عرف طبیعی‌ترین ضابطه برای همکاری اقتصادی و اجتماعی می‌باشد اما پیچیده بودن روابط بازرگانی و اقتصادی ضرورت تدوین چنان مجموعه حقوقی را ایجاب نموده است. از عمده‌ترین علت‌های شکست و ناکامی شرکت‌ها و اتحادیه‌های تعاونی اولیه این بود که رهبران و اعضای آن فکر می‌کردند بی‌آنکه قانون و مقرراتی را راهنمای کار خود قرار دهند، با آن همه شور و ایمان قلبی که به‌اصل همکاری و تعاون از خود بروز می‌دادند، می‌توانند سازمان اقتصادی و اجتماعی که تعهدات و مسئولیت‌های مالی و حقوقی متقابل میان اعضا با شرکت تعاونی از یکسو و مجموعه واحد اقتصادی اجتماعی تعاونی یا اشخاص و شخصیت‌های حقوقی دیگر را روی همان عرف ساده اداره نموده و آن را در جاده پیشرفت قرار دهند.

بعد اجتماعی، سیاسی نهضت تعاونی از یک سو آن را به نهضت عظیم و بنیان‌کن صنفی کارگران، و جنبه اقتصادی و مالی آن از سوئی دیگر این نظام را به سیستمی مالی و بازرگانی پیوند می‌دهد که با به پای روند انقلاب صنعتی شکل گرفته و مراتب پیشرفت و گسترش خود را طی می‌نمود.

مبانی اولیه مجموعه حقوقی که امروزه قانون و مقررات شرکت‌های تعاونی شناخته

شده و چون حصاری محکم اصول اقتصادی ضد استثماری تعاون را در کنف حمایت خود می‌گیرد از کنار درخت ناسدی جوانه زده است که زیر نام قانون ابزار سرکوبی مبارزات ضد استثماری طبقه کارگر بوده است هم چنان که وجود یک قانون پیشرفته و نگرهبان عدالت و انصاف، حافظ حقوق فردی و پاسبان نظم اجتماعی است داشتن قانون و مقررات تعاونی پایگاه اطمینان افرادی است که عضویت شرکت‌های تعاونی را می‌پذیرند و در سایه آن می‌توانند هدفهای متعالی انسانی خود را در زیر لوای نهضت تعاونی تحقق بخشند. پس قانون و مقررات تعاونی نیز عامل رفاه فردی و اجتماعی است هر چند که باید با احساس مسئولیت اعضا و رهبران و مدیران شرکت‌های تعاونی و عناصر اجرائی آن مو به مو عمل شود!

در جامعه‌ای که اصول اقتصاد انتفاع فردی فرمان می‌راند و با همین انگیزه شرکتها و موسسات تولیدی و توزیعی تشکیل و فعالیت می‌کنند، وجود یک قانون پیشرفته تعاونی به گروههای مصرف کنندگان و تولیدکنندگان مواد کشاورزی و صنعتی یاری می‌دهد که یک واحد اقتصادی غیر انتفاع فردی را از یک موسسه اقتصادی و تجارتي انتفاعی باز شناسند و با اصول متفاوت حاکم بر هر یک از این دو سیستم آشنا شوند.

این سخن نیز در خور یادآوری است که قانون هر چقدر هم پیشرفته و جامع الاطراف باشد به تنهایی توانائی آنرا ندارد که از حقوق فردی و اجتماعی مراقبت کند مگر آنکه افراد و جامعه ساکن این قلمرو قانونی آن را به خوبی شناخته و نسبت به اجرای آن تعهد داشته باشند. قوانین مدنی، جزائی

و تجارت که قانون تعاونی نیز بخشی از آن می‌باشد در بسیاری از ممالک شرقی و غربی (به بیان متداول پیشرفته در حال پیشرفت و عقب افتاده) جاری و ساری است از یک آبشخور حقوقی غربی سیراب شده و با توجه به اینکه همه این کشورها در سازمانهای بین‌المللی چون دفتر بین‌المللی کار، سازمان ملل متحد، دادگاه بین‌المللی و همانند آنها عضویت داشته و با الگو قرار دادن کدهای حقوقی، اقتصادی و اجتماعی، آموزش و فنی آنها سازمانهای کارگری و شرکتهای تعاونی تشکیل می‌دهند در عمل با تفاوت و نارسائی‌هایی روبرو می‌شویم که نشان میدهد در بخشی از جهان پیشرفت و پویائی و در بخشی دیگر توقف و جمود حاکم است بی‌آنکه میان قوانین و مقررات جاری در دو قطب مذکور تفاوت زیادی دیده شود، اما آنچه که می‌تواند مشخص‌کننده این دو روند باشد جز تفاوت‌های فرهنگی و تلقی‌های درست و نادرست از درون مایه اصول و مقررات مربوط به آن و فلسفه وجودی نهاد اقتصادی و اجتماعی نمی‌تواند چیز دیگری باشد.

طی چهار دهه اخیر موج‌های سیاسی و ایده‌تولوژیکی را شاهد بوده و هستیم که از سرزمین‌هایی چون آلمان رایش سوم - ایتالیای موسولینی - روسیه استالینی و هم چنین برخی دیگر از جامعه‌های سرمایه‌داری و شبه سرمایه‌داری برخاسته و به صورتی بنیان‌کن تاروپود نهادهای اقتصادی و اجتماعی منجمله شرکت‌های تعاونی را برپا داده‌اند. نداشتن شناخت درست از نهضت تعاونی بعنوان افزار پیشرفت اجتماعی و گسترش اقتصادی ولو با تأیید و حمایت لفظی، خدمتی به نهضت تعاونی محسوب نمی‌شود.

قانون مربوط به تشکیل شرکتهای سهامی که افراد با خرید سهم یا سهام در امر سرمایه‌گذاری یا تاسیس آن مشارکت کرده و می‌کند از سال ۱۸۳۴ میلادی بطور کامل مبنای حقوقی تاسیس و اداره انواع شرکتهای سهامی با مسئولیت محدود قرار گرفت. از آن تاریخ به بعد دارندگان سرمایه‌های کوچک و بزرگ می‌توانستند در کنار دیگر پر از آتش آشیرخانه سرمایه‌داری، هرکس به قدر بولی که داده است (تعداد سهمی که خریده است) آتش بخورد و چنین شد که اجاق مدرن سرمایه‌داری خصوصی از آن زمان تا به امروز همچنان داغ است و بخار و حرارت مطبوع آن اشتباههای زیادی را برانگیخته و سفره آن نهنها در داخل بلکه تا فراسوی دریاها گسترده گردید، از آن به بعد کمتر کسی پس انداز و نقدینه شخصی خود را درون کوزه‌های گلی و چدنی نهاده و برای حفظ آن از دستبرد دزدان و زیرزمین دهن می‌کرد یا به طلا و نقره و وسایل زینتی تبدیل می‌نمود. جلب سرمایه‌های کوچک به سرمایه‌گذاری و خرید سهام شرکتهای تجاری - تولیدی و توزیعی به منزله باز شدن دریچه سدی عظیم بود که می‌توانست توربین‌های مولد و به دنبال آن چرخ‌های یکان‌های صنعتی را به گردش وادارد که نهنها برای سرمایه‌گذاران و صاحبان آن سهام درآمدی چشمگیر پدید آورد. خیل عظیمی از نیروی کار را بخود کشانده، شغل‌ها و تخصص‌های فنی و علمی رنگارنگی را گسترش بخشید. قانون‌گزار انگلیسی در بادی امر برای مشارکت (سهام داران) محدودیتی در نظر گرفت و از این روی شرکتهای سهامی فقط با حداکثر ۲۵ نفر (سهام دار) تاسیس می‌شدند. و تخطی

از این قانون باعث سلب اعتبار قانونی شرکت سهامی خاطی میشد. به روایت پرفسور - جی - دی - اچ کل (G.D.H. COLE) جامعه‌شناس و حقوقدان نامدار معاصر در موطن او میان سالهای ۱۸۴۴ تا ۱۸۴۷ شمار چشمگیری از شرکتهای سهامی با مسئولیت محدود تاسیس گردید. تردید نیست که حنا قانونی نمی‌توانست برای موج درحال اوج سرمایه‌گذاری و شرکت در خرید سهام کارخانجات سودآور کمال مطلوب باشد و مانع از آن می‌شد که شرکتهای سهامی بتوانند قلمرو کار خود را توسعه دهند، شرکتهای تعاونی مصرف و تولید کارگری آن زمان نیز که نوعاً "با پس اندازهای بسیار خرد کارگران تهیه دست تشکیل می‌شدند نمی‌توانستند برای تأمین مالی و سرمایه‌ای پس اندازهای بیشتری از کارگران را جذب و حداقل هزینه تجارتهای فروشگاهی تعاونی را تأمین نمایند. اما پس از اصلاحات قانونی که به دنبال آن طی سالهای بعد از ۱۸۴۷ یعنی ۱۸۵۵، ۱۸۵۶ و ۱۸۶۲ صورت گرفت محدودیت مذکور از میان برداشته شد و شرکتهای سهامی توانستند سهام داران بیشتری را دور خود جمع کنند.

بطوریکه در گذشته یادآور شدیم پیش از آنکه پیشروان نصف جوی را چدیدل شرکت تعاونی خود را در سال ۱۸۴۴ رسماً "بکشایند تعداد چشم‌گیری شرکت تعاونی مصرف و اتحادیه در آن سرزمین وجود داشتند که به دلایل گفته شده (نداشتن یک نظام قانونی) از دور فعالیت بیرون شدند و نیز پیش از آنکه این شرکتهای با به‌عرضه وجود نهند معتقدان به اصول مشارکت جمعی در کارهای اقتصادی و اجتماعی (در جامعه دوستان)

گرد آمده و یک جامعه تعاونی تاسیس کردند. شرکت تعاونی مردان راجدیل و شرکتهای تعاونی سلف آنها در محدوده توزیع مواد مصرفی فعالیت می کردند در حالی که اعضای (جامعه دوستان) در نظر داشتند به روال زندگی در یک جامعه بسته تعاونی تولید توزیع و کلیه خدمات مربوط به آن را با مشارکت مادی و معنوی خود انجام داده و طبق اصول آن زندگی کنند. پیدایش گروههای چپ افراطی و دستجات سیاسی آشوبگر مانند ژاکوبین های صدر انقلاب کبیر فرانسه و همگنان شان در انگلیس که رویدادهای سیاسی و اجتماعی غم انگیزی را به دنبال آورده بود. سبب گردید نه تنها طرفداری از اصول (جامعه دوستان) بلکه فکر گرایش به جامعه تعاونی به انزوا کشیده شده و رقیب صاحب قدرت را بر آن داشت تا محور آن را از صحنه آن روزی جامعه وجهه همت خود قرار دهد. اگرچه اعلام غیر قانونی بودن فعالیت اعضای جامعه دوستان باعث تعطیل فعالیت های آن جامعه گردید اما به همان نسبت بر شمار طرفداران آن افزود. زیرا با قفل قانون می شود برای مدتی ذهن ها را بست اما با جوب قانون نمی شود اندیشه های را که در ذهن ریشه یافته و به صورت عقیده درآمده است از سر بیرون کرد.

چنانکه قبلاً هم گفتیم طی چهل سال گذشته نهضت فکری تعاون به رغم فشارهای وارده در برخی از فلهروهای سیاسی شرقی و غربی بار دیگر راه خود را به سوی تکامل ادامه می دهد و کارآئی خود را چه در اقتصاد دولتی و چه در اقتصاد خصوصی به مصیبه ظهور رسانیده است. نظور اقتصاد مجارستان پس از پشت سر گذاشتن بحران ضد تعاونی

دوران راکوشی عامل عمده رونق اقتصادی و رفاه اجتماعی مردم مجار به شمار می رود تا برای ممالک هم پیمان نمونه قرار گیرد. از آنجا که قوانین زاینده نیازهای بشر می باشند به دنبال گسترش کمال جویانه سرمایه داری خصوصی قوانین و مقررات تجارت سیر دستخوش تغییر و تحول شد و به دنبال آن راه برای مشارکت هموار گردید. طرفداران نهضت تعاونی با استفاده از فرصتهای به دست آمده توانسته بودند برای تحقق هدفهای اجتماعی و اقتصادی خود که تهیه و تدارک مواد مصرفی، پوشاک و تولید لوازم زندگی و تاسیس مراکز تربیتی و آموزشی به تشکیل شرکتهای تعاونی مبادرت ورزند. پیشروان راجدیل چه در ظاهر و چه در بدو امر از یک خرده فروش کار خود را شروع نموده بودند اما برنامه نهائی آنها رسیدن به مرحله ای بود که می توانستند تولید و مصرف و خلاصه اصول زندگی جامعه دوستان را جامعه عمل پوشانند.

آنها اگرچه در سال ۱۸۴۴ خرده فروشی بودلایین را کشودند اما طبق قانون تجارت که قانون تعاونی نیز بوده است حق نداشتند با افراد غیر عضو دادوستد کنند. اگرچه برای پیشروان راجدیل ممنوعیت دادوستد با افراد غیر عضو عامل بازدارنده ای بود که آنها نمی توانستند توجه افراد عادی و غیر عضو را به مزایای خرید از شرکت تعاونی جلب کرده و باب عضویت را برای شمار زیادتری از مصرف کنندگان آن روزی باز نگه دارند. اما قانونگذار معاصر پیشروان راجدیل به نحوی دریافته بود که عده ای سوداگر و سودجو نام شرکت تعاونی را دست آویز قرار داده و نه تنها به حاق از مزایای قانونی سوء استفاده کرده نام تعاون و شرکت تعاونی

را نیز لکه‌دار می‌سازند همچنانکه در حال حاضر نیز این تجربه تلخ در بسیاری از کشورها تکرار می‌شود و قانون‌گذاران زیادی را می‌شناسیم که نه تنها دادوستد با افراد غیر عضو یا شرکت تعاونی را تجویز می‌کنند حتی به سوداگران جواز قانونی می‌دهند تا به نام شرکت تعاونی مایحتاج مردم را از دست اول خریده و پس از چند بار دست به دست کردن و افزودن به‌بهای تمام شده آن را با بهای گزاف به مصرف‌کنندگان بفروشند! چنانکه می‌دانیم شرکت تعاونی برای خدمت به اعضای خود تاسیس می‌شود و اگر کسانی مایل به استفاده از این خدمات هستند چه جای درنگ است که به عضویت آن درآیند؟

قانونگذار می‌تواند به شرکت‌های تعاونی اجازه دهد با افراد غیر عضو به این شرط معامله کنند که برای هر کدام حسابی در شرکت باز کرده و خریدهای آنها را در آن حساب ثبت کرده و در پایان سال مازاد برگشتی هر کدام را جداگانه محاسبه و به صورت برگه سهام شرکت در اختیار مشتری غیر عضو نهاده و مقدم آنان را به عنوان عضو جدید شرکت خوش آمد گویند، و این یکی از موثرترین راههای رقابت با بخش خصوصی (انتفاع فردی) و گسترش سیستم اقتصاد جمعی در جامعه است. و در نوع خود نیز از راههای موثر جلب مشارکت مردم به کارهای اجتماعی است. شرکت‌های تعاونی مصرف کشور ما نه تنها از انجام چنین رسالتی شانه خالی می‌کنند بلکه درآمد ناشی از دادوستد با افراد غیر عضو را نیز به حساب شرکت گذاشته و به مصرف می‌رسانند! کما اینکه پاره‌ای از نهادهای تعاونی ممالک غربی منجمله دانمارک از دادوستد با افراد

غیر عضو منع گردیده و در پاره‌ای موارد میزان این دادوستد بطور محدود انجام می‌شود.

هر شرکت تعاونی نخست باید برای بیشترین خدمت چه از نظر کیفی همه توان خود را بکار گیرد و برای جلب افراد جدید به عضویت، برنامه‌ریزی آموزشی و تبلیغاتی نموده و هر سال گروهی معین را با اندیشه تعاونی (اجتماعی) و نه کاسبکارانه و حسابگرانه و در محدوده چند ده ریال سود مادی به جمع اعضای سابق بیافزاید. اما اگر قانون‌گذار پا را از این حد فراتر نهد و دادوستد با غیر عضو را با همه شرکت‌های تعاونی صرفنظر از نوع آن منع کند تردید نیست که تعاونی‌های تولیدات کشاورزی و دامداری و باغداری و صنایع کوچک با خطرنابودی روبرو می‌شوند زیرا این دسته از مردم از راه فروش محصولات خود زندگی می‌کنند و مصرف‌کنندگان شهری فرآورده‌های کشاورزی با توجه به تفاوت سنجی و صافی نمی‌توانند در یک شرکت تعاونی بازار رسانی فرآورده‌های زراعی عضو شوند زیرا فایده نفع و هدف مشترک با آنها هستند.

اگرچه میان تعدیل قیمت‌ها که کمال مطلوب مصرف‌کنندگان و تثبیت قیمت‌ها که غایت آرزوی تولیدکنندگان کشاورزی است ممکن است تعارض پدید آید هر چند که هر دو صنف از کانال تعاونی با یکدیگر طرف دادوستد قرار گیرند در آن صورت مسئله مناسب‌ترین قیمت و رجوع به عرضه و تقاضا و رقابت آزاد پیش می‌آید که اگر شرکت‌های تعاونی مصرف به آنچه می‌خواهند دست نیابند می‌توانند خود مستقیماً به تولید نیازهای مصرفی اعضای‌شان مبادرت ورزند

و همین امر متقابلاً "شرکتهای تعاونی تولید را بر آن میدارد که کالای خود را به جای بازارهای تعاونی به بازارهای غیر تعاونی عرضه کنند تا به قیمت‌های دلخواه برسند. در بدو امر افزوده بر این محدودیت قانونگذار حلقه محاصره را بر شرکت‌های تعاونی چنان تنگ می‌نمود که آنها از حق تشکیل اتحادیه تعاونی برای خود بی بهره بودند. اما به پاری و پامردی سوسیالیستهای مسیحی و معتقدان صاحب منصب و مقام نهضت تعاونی که در مراجع قانونی و حقوقی کشورها مصدر امور بوده‌اند قوانین را در مسیری اصلاح کرده و تغییر دادند که بازدارنده تلاشهای جمعی گروههای متشکل مصرف‌کننده و تولیدکننده نباشد. تا پیش از سال ۱۸۴۴ انتقال سهم یا سهام در شرکت‌های سهامی به دیگران منع قانونی داشت که شرکت‌های تعاونی را نیز شامل میشده و اعضای آن از این حق محروم مانده بودند. اگرچه در حال حاضر نیز حق انتقال سهم یا سهام شرکت تعاونی موکول به تصویب هیئت مدیره گردیده است و این امر خود نیز بر ضوابطی مبتنی است که رعایت آن به سود شرکت‌های تعاونی می‌باشد، زیرا یکی از عمده‌ترین مشخصه یک عضو شرکت تعاونی داشتن نیاز مشترک با سایر اعضا است والا انتقال سهم به یک نقال یا واسطه تجاری و یا انتقال سهم یا سهام یک واحد تعاونی مسکن به مالک مستقلات استیجاری خود نقض غرض محسوب می‌شود. در شرایط امروزی شرکت‌های تعاونی مصرف و تولید که دو بخش عمده و اصلی اقتصاد یک جامعه را تشکیل می‌دهند برای استفاده از خدمات مربوط به آن هیچ محدودهای برای خود نمی‌شناسند و با تشکیل اتحادیه‌های تعاونی چند منظوری به

تمام نیازهای مادی و معنوی خود می‌رسند در حالیکه قوانین اولیه تعاونی مانع می‌گردید که مثلاً "یک شرکت تعاونی مصرف بتواند جز خرید و توزیع مواد مصرفی به تولید همان کالاها اقدام کند.

یکی دیگر از موانع قوانین نخستین تعاونی این بود که اصل مسئولیت محدود اعضاء شرکت تعاونی را رد می‌نمود و از این سبب مشکل بررگی در سرراه کارگرانی که مایل به عصویت در آن بودند قرار می‌داد. پذیرفتن مسئولیت نامحدود در یک واحد اقتصادی که در یک جامعه گسترده شهری فعالیت می‌کند پلکان لعزیده و لرزانی بود که کارگران سم داشتند با گذشتن پای خود بر روی آن به سراسیمی سقوط افتند شاید تقارن تاریخی پیدایش صندوق‌های اعتباری روستائی که به رهبری فردریک ویلهلم رایفازن با مسئولیت نامحدود در چند روستای آلمان تاسیس گردیده بودند قانون‌گذار انگلیس را بر آن داشت که تعاونی‌های تولید صنعتی و مصرف شهری آن کشور را به اصل مذکور مقید سازد، آنچه مسلم است اینکه علت این امر تاکنون دانسته نشده است. البته در یک جامعه بسنه روستائی که اهالی روستا در نزدیکی یکدیگر بسر می‌برند و از حال و وضع هم با خبر هستند و نوعاً "در بسیاری از امور مشترک به صورت عرف و عادت از روزگاران گذشته تا به امروز با هم همکاری کرده و می‌کنند مشکلی پیش نمی‌آورد، اما وضع در یک جامعه شهری به‌گونه دیگر است.

اگرچه همین قانون تعاونی فعالیت جامعه دوستان را که یک جامعه تعاونی به شمار می‌آید از پرداخت مالیات معاف می‌کرد لیکن در مورد شرکت‌های تعاونی مصرف شهری ساکت بود و همین امر کار این نوع شرکت‌ها

را سخت می نمود. ناگفته نگذاریم که قانون تعاونی انگلیس در آن زمان اگرچه هنوز در مراحل ابتدائی و تحریری خود قرار داشت اما تصمیمات منحنه آن بقدری سنجیده و با حقوق فردی و اجتماعی مطابقت داشت که کوفتی کوهی از تجربه سالهای متممادی را پشت سر دارد. زیرا وقتی پای درآمد اضافی پیش می آمد حتی جامعه دوستان هم که یک اقتصاد بسته و تعاونی کامل بود مشمول پرداخت مالیات می شد.

بنابر آنچه که آمد اعضای شرکت تعاونی پیشروان را جدیل نیز ناگزیر بودند مازاد برگشتی دریافتی از شرکت را به سهم الشرکه تبدیل نمایند و این کار در اصل به مفهوم تقویت مباتی مادی و مالی شرکت تعاونی بود هرچند که قانون گذار به این نکته مهم توجه و عنایتی نمی داشت زیرا یکی از چیزهایی که یک واحد اقتصادی تعاونی را که با مشارکت گروهی از کارگران یا مصرف کنندگان کم درآمد تشکیل می شود روح می دهد داشتن سرمایه بسته برای فعالیت اقتصادی و ایستادن در برابر رقای بیروند بخش انتفاع فردی است. تقویت بنیه مالی یک شرکت تعاونی مصرف سوا به آن امکان می دهد خدمات فراوان و با صرفه ای را به سود اعضای خود انجام دهد و همین امر سبب می شود اعضا بتوانند از دستمردو درآمد روزانه خود بدیستری و بالاترین حد ممکن استفاده کرده و قدرت خرید خود را افزایش دهند. که مالا به صرفه مادی و معنوی آنان محر می شود.

• زیان های معافیت های مالیاتی

• معافیت های مالیاتی سنجیده و حساب شده در مورد فعالیت های اقتصادی جمعی باعث می گردد افراد پول پرست و آزمند

اغوا شده و تحت عنوان شرکت تعاونی کارهای تجارتنی خود را که صرفاً با هدف کسب سود و درآمد مشروع و نامشروع همراه است در پوشش تعاونی انجام داده و در این رابطه هم حق دولت را که حق عمومی است پامال کرده و هم به ارزش و اعتبار اقتصاد تعاونی لطمه وارد آورند. در این مورد می توان به نمونه های بارزی که در داخل و خارج از مرزهای کشور ما روی داده و می دهد اشاره نمود. مطالعه تاریخ پیدایش شرکت های تعاونی بگونه امروزی نشان می دهد که در صدور این نهضت چنین انگیزه هایی شکل گرفته و همین رویه خدعه آمیز را قانون گزار آنروزی دلیل راه قرار داد لذا فلسفه وجودی دخایر قانونی غیر قابل تقسیم از همین حا مایه می گیرد اگرچه بعد دیگر آن تقویت بنیاد مالی شرکت در مواقع بحرانی است. و همین موضوع سبب می گردید تا افراد سوداگر و پول پرست از تبدیل دکان خود به فروشگاه (تعاونی!) منصرف شوند.

در پایان این بررسی تاریخی پیرامون مسایل حقوقی و مالی شرکت های تعاونی باید اضافه نمود که سرانجام در سال ۱۸۶۲ شرکت های تعاونی مصرف و تولید اجازه یافتند که در چارچوب مسئولیت محدود به کار خود ادامه داده و برای دست زدن به خدمات گوناگون مصرفی در اتحادیه ها و فدراسیون های تعاونی متحد و متشکل گردند و بر همین منی حداکثر سهام در شرکت تعاونی که تا آن زمان به مبلغ یکصد لیره استرلینگ محدود می شد به دو برابر این مبلغ رسید و این امر امکان می داد تا اتحادیه های تعاونی در سطحی گسترده و با منظورهای گوناگون فعالیت خود را توسعه دهند و از مرزهای جغرافیائی و مطلقه ای فراتر روند.